

# همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

## بررسی اصلاح قوانین مالیاتی با سبک اقتصاد اسلامی - مقاومتی

مصطفی غفوری

### مقدمه

تحقق شعار اقتصاد مقاومتی یکی از مهمترین اهدافی است که کشورهای انقلابی در صدد تحقق آن باید باشند، خصوصاً زمانی که در مواجهه با کشورهای سلطه‌گر هستند که عمدتاً پیش از انقلاب بهره‌های مادی و معنوی زیادی را از آن کشورها به تاراج می‌برده‌اند؛ بر این اساس هم بر ایشان پذیرش انقلابی که آن‌ها را از چپاولات گذشته منع می‌کند و هم ادامه سلطه‌گری را اجازه نمی‌دهد گران آمده و همواره در پی ضربه زدن به ایشان بر می‌آیند، از آنجا که انقلاب با بصیرت عمومی جامعه معمولاً همراه است به مقابله با تجاوز آشکارا این کشورها می‌پردازند، لکن یکی از کمرشکن‌ترین اهرم‌ها، فشار اقتصادی و یا تحریم است که به دنبال تغییر روند حاکم بر آن جامعه بر می‌آیند.

جوامع انقلابی نیز غالباً دارای اقتصاد ضعیفی بوده و یا در تأمین کالاهای اساسی و حیاتی خود کفا نیستند که موجب ضربه‌پذیری و شکنندگی آن‌ها می‌شود، بر این اساس مهمترین اقدام پس از تثبیت انقلاب مقاوم‌سازی اقتصاد و یا اقتصاد مقاومتی است که عبارتست از: «اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده‌ی رشد و شکوفایی کشور باشد».<sup>۴۵</sup>

تحقق اقتصاد مقاومتی از جنبه تأمین منابع مالی دولت به عنوان نهاد تأمین‌کننده نیازهای اولیه جامعه اهمیت می‌یابد، و با توجه و اتکا به ظرفیت‌های بومی امکان‌پذیر می‌گردد. در این عرصه نخستین گام توجه به سبک اقتصادی و مالیاتی اسلام است. نظام اقتصادی اسلام همچون سایر جوامع انسانی نظام مالیاتی را نهاد تأمین‌کننده منابع مالی دولت بر می‌شمرد و مالیات اولیه را همین وجوهات شرعی اشخاص در نظر می‌گیرد و در صورت عدم کفاف روش‌های دیگری را به عنوان راهکار ثانویه قرار می‌دهد. بر این اساس می‌بایست قوانین اقتصادی مالیاتی کنونی متناسب با این هدف اصلاح و آسیب‌شناسی شود، چرا که یکی از مهمترین زمینه‌هایی که ما را ناگزیر به استفاده از اقتصاد مقاومتی می‌نماید، تأمین منابع مالی دولت است و در صورتی که این تأمین مالی به سبک اقتصادی نخستین اسلام باشد، اقتصاد مقاومتی بومی را به ارمغان می‌آورد.

### تأمین مالی در نظام اسلامی

در راستای تحقق دیدگاه اسلام در نظام حکومت اسلامی خصوصاً در بستر اقتصادی یکی از مهم‌ترین موضوعات این عرصه تطبیق این آموزه‌ها در نظام مالیاتی است که یکی از چالش برانگیزترین مباحث میان فقها و اقتصاددانان و نیز حقوقدانان را ایجاد نموده‌است.

تعامل نظام مالی اسلام با نظام مالیاتی به دلیل وجود برخی از حقوق مالی، در جوامع اسلامی اهمیت زیادی پیدا می‌کند. در نظام مالیاتی دولت اسلامی، به دلیل فرازمانی و فرامکانی بودن برخی از حقوق مالی، مالیات‌ها هم باید از جنبه شرعی

<sup>۴۵</sup> (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱).

## بهايش ملي اقتصاد معاومتى "حالشها، واقعيتها، راهكارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

و هم از نظر اقتصادی توجیه داشته باشند. از سوی دیگر می‌بایست همان نقشی را که مالیات‌های مذهبی در صدر اسلام در هدایت فعالیت‌های اقتصادی و کسب اهداف عدالت و توسعه اقتصادی دارا بوده‌اند را نیز داشته باشند. در عین حال، مالیات‌های مزبور باید نیازهای دولت اسلامی در حال حاضر را نیز تأمین کنند. مالیات حکومتی در کنار مالیات اسلامی می‌تواند به عنوان مکمل عمل کرده و پذیرش عمومی آن مؤثرتر واقع شود. گاهی از روش‌های مالیات اسلامی، جهت بهره‌برداری هرچه مطلوبتر استفاده شده و گاه نظام مالیاتی به گونه‌ای سامان می‌یابد که وقتی مالیات اسلامی آن پرداخت شود، مالیات حکومتی آن نیز پرداخت شده باشد.

حکومت‌ها همواره جهت تأمین مالی خود روش‌های مختلفی را تجربه کرده‌اند، یکی از مهم‌ترین مباحث این عرصه مالیات است، که خود نیز دارای انواع مختلفی است. در جامعه اسلامی همچون سایر جوامع گزاره‌های گوناگونی جهت تأمین مالی حکومت وجود دارد، که در یک چارچوب کلی وجوه شرعی سامان یافته است.

بدین‌سان مالیات‌ها و وجوه شرعی به دلیل موقعیت خود در جهت تحقق بخشی از هدف اولیه حکومت‌ها که همان تأمین حقوق همه‌جانبه افراد در زندگی انسانی است حائز اهمیت دوچندانی می‌گردند. البته گفتنی است که منظور از هدف اولیه، نخستین انگیزش جهت برپایی حکومت در جوامع انسانی نیست چرا که می‌توان نخستین انگیزش‌ها را در این جهت تأمین امنیت و نیازهای اولیه افراد جامعه را مثال زد، لکن منظورمان از هدف اولیه، نخستین بنیادهای زندگی در جهت نیل به آرمان‌های متعالی انسانی است که از این قبیل می‌توان رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌ها را متذکر شد.

مالیات به جهت شباهت کارکردی به وجوه شرعی نزدیک است. از این روی برخی عنوان مالیات اسلامی را در این موارد بکار گرفته‌اند که البته کاربرد هر یک در موقعیت خود مناسب‌تر می‌نماید. همچنین می‌توان این وجوه را از جهت اهداف و مصرف نیز همچون برقراری عدالت و تأمین مالی حکومت و... با مالیات شباهت‌سنجی نمود. از این روی امید است در این نوشتار با مقایسه تحلیلی مالیات و وجوه شرعی و انواع مختلف آن، وجوه افتراق و شباهت را یافته و در جهت همگام‌سازی و امکان‌سنجی جایگزینی، تأمین بخشی از مالیات حکومتی یا هزینه‌های قابل قبول مالیاتی، بتواند گامی رو به جلو در تحقق دیدگاه اسلام در بعد اقتصادی حکومت در نگاه کلان و همچنین جلوگیری از محاسبه مالیات مضاعف بر دوش شهروندان متعهد باشد. که از این گذرگاه می‌توان در جهت تحقق آرمان‌های متعالی اسلام در پیاده‌سازی آن بعد از استقرار حکومت اسلامی در جامعه حرکت نمود.

با برپایی حکومت اسلامی بر اساس اصل ولایت فقیه می‌توان این وجوه را با نگاهی کلان در بعد یک نظام اقتصادی جهت اداره و تأمین منابع مالی حکومت، و جایگزینی برای نظام مالیات فعلی تلقی کرد.

با توجه به اینکه لایحه جدید قانون مالیات‌های مستقیم، وجوه را جزو مالیات و حتی هزینه‌های قابل قبول مالیاتی قرار نداده است، این سؤال مطرح است که آیا نمی‌توان از وجوه شرعی در جایگزینی، تأمین بخشی از آن‌ها و یا هزینه‌های قابل قبول مالیاتی بهره جست؛ و بار مضاعف مالیاتی بر شهروندان متعهد را برداشت و با مشارکت مساعی همگان در تأدیه این وظیفه شرعی استفاده نمود؟

# بهایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

ماده ۴: بدهی‌های مالیاتی اشخاص به عنوان هزینه‌های اجتماعی و شهروندی آنان، بدهی به آحاد جامعه تلقی گردیده و پرداخت آن مقدم بر پرداخت وجوهات شرعی می‌باشد. در اجرای حکم این ماده، پرداخت وجوهات شرعی به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی نمی‌گردد.<sup>۴۶</sup>

## وضعیت وجوهات شرعی

محاسبه خمس در دو محاسبه از سال ۶۵-۷۵ از حدود ۳۸۴ میلیارد ریال تا حدود ۲۶۰۳ میلیارد ریال<sup>۴۷</sup> و در محاسبه دیگر ۵۰۰ میلیارد ریال تا ۳۷۲۸ میلیارد ریال می‌رسد، که براساس حساب‌های ملی محاسبه شده است.<sup>۴۸</sup> البته ایشان در محاسبه دیگری که بر اساس درآمد و هزینه‌های خانوارها محاسبه نموده‌اند در این پرسه زمانی از ۵۳۲ تا ۴۱۹۲ میلیارد ریال محاسبه نموده‌اند. اشکالی که برخی بر این محاسبه گرفته‌اند این است که محاسبه منحصر به بخش خصوصی بوده و شاغلان بخش دولتی محاسبه نشده است، و با افزودن این بخش می‌توان برآورد این پارادایم را از ۵۹۰ تا ۴۹۲۸ میلیارد ریال محاسبه نمود.<sup>۴۹</sup>

سال	زکات	خمس	مجموع	مالیات	میزان اختلاف
۱۳۷۵	۴۱۶ میلیارد ریال	۴۹۲۸ میلیارد ریال	۵۳۴۴ میلیارد ریال	۱۲۵۶۰ میلیارد ریال	۷۲۱۶ میلیارد ریال

قانون مالیات بر شرکت‌ها که اخیراً در مجلس شورای اسلامی تصویب، و براساس آن، نرخ متفاوت مالیاتی به یک نرخ کاهش یافته و از شکل تصاعدی و چند نرخ پیشین به یک نرخ تبدیل شده است، به مراتب بیش‌تر از قانون سابق به الگوی مالیاتی صدر اسلام نزدیک شده؛ اما مالیات‌های دیگر چون مالیات بر حقوق و دستمزد، و مالیات بر انواع داد و ستد، با مالیات‌های اسلامی فاصله بسیاری دارند. اگر به جای استفاده از انواع مالیات‌های غیرمستقیم فعلی از مالیات‌هایی که به طور مستقیم به سود، پس‌اندازهای سرمایه‌گذاری نشده، و درآمدهای خالص به اشکال گوناگون سرقفلی، امتیازات شغلی و اجاره حاصل از منابع دارای عرضه ثابت تعلق می‌گیرد و به عبارت دیگر از همه درآمدهایی که مشمول خمس می‌شود، مالیات گرفته شود، به الگوی مالیاتی اسلامی نزدیک‌تر شده‌ایم. در شکل اخیر، می‌توان نشان داد که همه اهداف نظام مالیاتی که تخصیص منابع «کالاها و خدمات، توزیع درآمد» میان اشخاص و کسب درآمد برای بخش عمومی است می‌تواند تحقق یابد.

## ماهیت مالیات شرعی و حکومتی

با ماهیت سنجی دو گونه مالیات‌های شرعی و حکومتی می‌توان گفت که ماهیت مالیات حکومتی در نظام جمهوری اسلامی متفاوت از مالیات‌های شرعی نبوده بلکه همان مالیات متغیر شرعی است و از باب ضرورت و صلاح‌دید حاکم مشروعیت

<sup>۴۶</sup> ماده ۴، لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن، (یک فوریت در آبان ۱۳۹۱ به تصویب مجلس جهت بررسی به کمیسیون‌ها ارجاع شد).

<sup>۴۷</sup> گیلک حکیم آبادی، رساله دکتری: امکان جایگزینی خمس با مالیات بر درآمد، فصل چهارم.

<sup>۴۸</sup> کیهان‌الحسینی و باقری، تأمین اجتماعی در ایران با تکیه منابع مالی اسلام، فصل نهم.

<sup>۴۹</sup> مالیات‌های حکومتی مشروعیت یا عدم مشروعیت، نامه مفید، ش ۳۵: ۷۱.

## دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

# بهائش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

می‌یابد. بنابراین اخذ مالیات از این جهت و وجهه شرعی می‌یابد، لکن از آنجا که مالیات اولیه در ترسیم نظام مالیات اسلامی، مالیات‌های ثابت می‌باشند و وجه شرعی ضرورت و مصلحت پس از عدم کفاف، این گونه مالیات متصور است، باید این چشم‌پوشی از مالیات اولیه اصلاح و روندی را که اسلام ترسیم داشته را به صورت کامل اجرا نماییم.

همچنین نحوه عملکرد حضرت رسول<sup>ص</sup> و امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> نیز در دریافت زکات مال التجاره و یا زکات بر اسب که همان مالیات متغیر شرعی و یا مالیات حکومتی است، گاهی اوقات و بر اساس ضرورت عمل می‌کردند، می‌بایست با الگوپذیری از این عملکردها نظام مالیاتی صحیحی بر اساس آموزه‌های اسلامی جهت اجرای ارائه نماییم.

مضافاً بر اینکه با بررسی و تفاوت و تشابه این دو گونه مالیات می‌توان گفت که مالیات‌های اولیه تمام آثار مالیات‌های حکومتی را در بر دارند علاوه بر ویژگی‌های مثبتی که برخی پیامدهای منفی مالیات‌های حکومتی را نیز در خود ندارند. پس جایگزینی میزان معینی با میزان دیگر، کار مشکلی به نظر نمی‌آید، مضافاً بر اینکه مالیات‌های اولیه اسلامی دارای محاسن زیادی نیز هستند.

### الف: جهات تفاوت مالیات حکومتی با وجوهات شرعی:

مالیات اسلامی عبادی است؛ اما مالیات متعارف به موجب قانون و نوعاً با اکراه پرداخت می‌گردد؛ مهم‌ترین هدف مالیات اسلامی با توجه به مصارف آن به جهت رفاه، عدالت است؛ لکن مالیات غالباً ابزار سیاست تثبیتی است. درآمد وجوهات به صورت کالایی اثری بر تقاضای کل و آثار تورمی بر اقتصاد ندارد. نظام مالیات تصاعدی در اقتصاد به ندرت منتج به تصاعدی مؤثر شده لکن اثر مالیات‌های اسلامی به واسطه معافیت‌ها از مالیات تصاعدی ملایم‌تر می‌باشند.

در مالیات اسلامی پرداخت‌کننده جایز است با اجازه حاکم شرع یا مرجع تقلید در مصارف یادشده خرج کند؛ اما در مالیات‌های متعارف، جمع‌آوری مالیات و مصرف آن، جزء اختیارات دولت است. و برآورد وجوهات و تخمین آن، بر اساس اعتمادی است که به خود پرداخت‌کننده می‌شود در حالی که مالیات مبلغی است که دولت تعیین و محاسبه و دریافت می‌کند. خمس و زکات از افرادی گرفته می‌شود که توان مالی دارند، ولی در مالیات این گونه نیست. زکات به شرط به حد نصاب رسیدن و خمس بر مازاد مخارج سالانه تعلق می‌گیرد اما مالیات از اصل درآمد مردم گرفته می‌شود. نهایتاً مالیات نوعاً برای هزینه‌های شخصی و عمومی زندگی است، ولی خمس و زکات برای کمک به دیگران است.

### ب: جهات تشابه مالیات‌های اسلامی با مالیات متعارف:

شبهات‌های این دو گونه مالیات را می‌توان از جهت محاسبه، مصرف، مشروعیت، و... جستجو کرد:

هر دو از احکام مالی و وظیفه‌ای برای هم‌وطنان جهت تأمین مالی جامعه با نوعی اجبار معنوی یا قانونی که جهت برقراری عدالت، توازن و رفع نیاز مالی فقرا و اداره جامعه جذب و هزینه می‌گردد. که می‌توان هم به صورت خود اظهاری و هم به صورت اجباری دریافت کرد. و دارای انواع مختلفی بوده و در صورت کمبود و کاهش درآمد در هر مورد می‌توان راه‌حل جبران کسری آن در نظر گرفت.

هر دو موارد معافیت وجود داشته و با نظر حاکم این معافیت‌ها می‌تواند کاسته یا افزایش یابد، البته فرار مالیاتی ممکن است وجود داشته باشد.

# بهاش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

## انواع وجوهات شرعی

در امکان سنجی جایگزینی وجوهات شرعی با مالیات حکومتی ابتدا می‌بایست دامنه وجوهات شرعی احصاء شود. با بررسی وجوهات شرعی می‌توان آن را در دو معنای اعم و اخص تقسیم نمود، معنای اخص بر اساس ماهیت مالیات گونه و مواردی که ماهیت جرمیه گونه و امثال آن را در معنای اعم گنجانده‌ایم. وجوهات در معنای اخص عبارت‌اند از:<sup>۵۰</sup>

خمس: «حق شرعی مالی واجب در درآمدها اعم از مجانی یا غیر مجانی، به میزان مشخص (۱/۵)، که در مواردی دارای نصاب‌اند.»

زکات: «حق شرعی مالی متعلق به برخی سرمایه‌ها با نصاب خاص به میزان معین.»

جزیه «جزای دادن حقوق شهروند مسلمان به ذمی با مساوات و آزادی در مال و عرض ایشان است.»

عشر: «به مالی که از تجار غیرمسلمان گرفته می‌شود، و امروزه به گمرک شباهت دارد.»

## امکان سنجی محاسبه وجوهات شرعی به عنوان مالیات

پرداخت دوسویه وجوهات شرعیه از یک سو و مالیات از سوی دیگر فشار مضاعفی را بر افراد متعهد وارد می‌سازد. افرادی نیز برای فرار از بار مالی حاصل از این پرداخت‌های دوسویه، ترجیح می‌دهند به جای تحمل جرمیه‌ها، راه امساک از پرداخت وجوهات شرعیه را برگزینند. از این رو در سال‌های اخیر کارشناسان برای رفع این مشکل، راه‌حلی چون هزینه قابل قبول بودن خمس، معافیت مالیات به میزان خمس پرداختی و یا محسوب کردن خمس به عنوان مالیات را مطرح کرده‌اند. که مسئولین مربوطه اولاً به جهت نداشتن عزم راسخ در حل این مشکل و ثانیاً به بهانه‌هایی چون آماده نبودن زیرساخت‌های فقهی - اجرایی؛ تنها راه حل این موضوع را در تصویب این ماده دانسته‌اند.

ماده ۴: **بدهی‌های مالیاتی اشخاص به عنوان هزینه‌های اجتماعی و شهروندی آنان، بدهی به آحاد جامعه تلقی گردیده و پرداخت آن مقدم بر پرداخت وجوهات شرعیه می‌باشد. در اجرای حکم این ماده، پرداخت وجوهات شرعیه به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی نمی‌گردد.**<sup>۵۱</sup>

ماده چهارم لایحه قانون مالیات‌های مستقیم؛ روشن‌ترین موضع‌گیری قوانین مالیاتی در قبال مالیات‌های اسلامی را اتخاذ کرده است، که نکاتی در بررسی آن به نظر می‌رسد.

## بررسی نقاط قوت و ضعف ماده ۴ لایحه با استدلال مخالفین و پاسخ موافقین:<sup>۵۲</sup>

عدم لحاظ وجوهات شرعی در قوانین مالیاتی در واقع بار مضاعفی بر دوش مؤمنانی است که متعهد به پرداخت هستند. زیرا آنان باید هم وجوهات شرعی و هم مالیات‌های حکومتی را پرداخت کنند در حالی که غیر متشرعین حداکثر به پرداخت

<sup>۵۰</sup> خراج را که در بررسی دقیق‌تر خارج از ماهیت مالیاتی دیدیم خارج نمودیم.

<sup>۵۱</sup> موحدی بکنظر و محمدجواد رضائی؛ ارتباط وجوهات شرعیه و مالیات‌های حکومتی: ۵۷۰.

<sup>۵۲</sup> گزارش بررسی ماده ۴ لایحه اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم، کمیته فقه اقتصادی، دی‌ماه ۹۲.

## پایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مالیات اکتفا می کنند. این امر به معنای آن است که متشرعین به نوعی تنبیه و به عدم پرداخت وجوهات شرعیه تشویق کردند. این امر با فلسفه تشکیل حکومت که زمینه سازی برای اجرای شریعت و احکام شرعی می باشد تناسبی ندارد.

پاسخ:

حکم این ماده خلاف ادله شرعی الزامی نمی باشد.

سه فرض محاسبه وجوهات شرعی به عنوان مالیات، یا هزینه های قابل قبول و یا عدم محاسبه از نظر احکام اولیه اشکال شرعی ندارد، و دولت اسلامی می تواند هر کدام را انتخاب نماید، با جستجو در فتاوی فقها و احکام دلیلی دال بر خلاف این ماده وجود نداشته، بلکه نظرات فقها در تأیید مالیات های دو گانه آمده است.<sup>۵۳</sup>

آیا پرداخت مالیات در نظام جمهوری اسلامی از وجوه شرعیّه کفایت می کند؟

جواب: مالیات مانند سایر هزینه های کسب و کار است و جای وجوه شرعیّه را نمی گیرد.<sup>۵۴</sup>

کسانی که قانون شامل آنان می شود، واجب است، و مالیات پرداختی هر سال از مئونه همان سال محسوب است، ولی از سهمین مبارکین محسوب نمی شود، بلکه بر آنان دادن خمس در آمد سالانه شان در زائد بر مئونه سال به طور مستقل، واجب است.<sup>۵۵</sup>

بررسی:

عدم مخالفت شرع با وضع مالیات حکومتی و دو گونه مختلف مالیاتی بودن صرفاً با فرض عدم کفاف وجوهات شرعی که به حکم اولیه تأمین کننده مالی حکومت اسلامی است و در رتبه مؤخر و فی البداهه و بدون استفاده از مالیات های نخستین صحیح به نظر نمی رسد، چرا که با منبع تأمین مالی دانستن هر دو عدم توجه به یکی و تمرکز بر دیگری غیر معقولانه است.

بنابراین عدم محاسبه وجوهات شرعی به عنوان مالیات و هزینه های قابل قبول مالیاتی، منافات با اصل عدالت مالیاتی در نظام اسلامی دارد. فلسفه وجوهات شرعی تأمین هزینه های حاکمیت اسلامی است. از این رو می توان آن ها را مالیات اسلامی دانست. با توجه به این نکته، نتیجه عملی عدم محاسبه وجوهات شرعی به عنوان مالیات و هزینه های قابل قبول مالیاتی، چیزی جز بار مضاعف مالیاتی بر متعهدان به وجوهات شرعی و تبعیض ناروای مالیاتی نسبت به آن ها نخواهد بود. از این رو می بایست این مشکل در نظام مالیاتی کشور به یکی از دو پیشنهاد مذکور برطرف شود.

توجه به این نکته لازم است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته، هزینه های اشخاص حقیقی و حقوقی در امور خیریه به عنوان مالیات یا هزینه های قابل قبول مالیاتی آن ها محاسبه می گردد. بنابراین دو پیشنهاد بی سابقه نبوده و می توان از تجربیات کشورهای دیگر در اجرایی کردن آن بهره برد.

مصلحت و ضرورت وضع مالیات های حکومتی پس از استفاده از منابع مالیاتی اولیه و عدم کفاف آن ها موقعیت پیدا می نمایند و عدم استفاده از مالیات های اولیه مجوزی بر ضرورت و مصلحت نمی باشد، اگر وسیله مشروعیت این دو گونه مالیات در نظام اسلامی واحد است، پس می بایست مطابق با آموزه های اسلامی عمل شود و پس از استفاده از مالیات های ثابت و عدم کفاف آن ها و وجود ضرورت یا مصلحت به سراغ مالیات های متغیر و حکومتی برویم.

۵۳) ر.ک: مصطفی غفوری، پایان نامه «امکان سنجی محاسبه وجوهات شرعی به عنوان مالیات»: ۸۵.

۵۴) مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۱: ۱۱۴.

۵۵) آیت الله خامنه ای، استفتائات فارسی: ۲۲۲.

## پاسخ به سئوالات مالی اقتصاد معامتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

پاسخ:

وجوهات شرعی و مالیات حکومتی دو گونه از مالیات بوده و هیچ تداخلی باهم ندارند، وجوهات شرعی از احکام اولیه اسلامی و وضع مالیات از احکام حکومتی و بر اساس مصلحت و ضرورت است.

بررسی:

در باب متفاوت بودن این دو گونه مالیات ممکن است مثلاً گفته شود که مالیات بابت جبران خدمات اجتماعی دولت مانند: جاده و شهرسازی، احداث پارک و فضای سبز، فضای آموزشی، تأمین امنیت عمومی و ... است.

این گفتار به دلایل ذیل صحیح نیست:

- (۱) ممکن است بسیاری از مالیات دهندگان نتوانند یا نخواهند از بسیاری از این خدمات استفاده کنند.
  - (۲) می توان هزینه این خدمات را از استفاده کنندگان مستقیم آنها اخذ کرد، مانند عوارض جاده‌ای
  - (۳) دولت باید از منابع مالی در اختیار چون انفال و وجوهات شرعی این خدمات را ارائه دهد.
  - (۴) دولت با تشویق انسان‌های خیر این منابع را تأمین کند. همانند خیرین مدرسه‌ساز و ...
  - (۵) در صورتی که منابع لازم برای خدمات اجتماعی ضروری از طرق فوق تأمین نشد، می توان مالیات اخذ کرد.
- اجرای صحیح نظام وجوهات شرعی جایگزین نظام مالیات کنونی می تواند ضامن عدالت و راهکاری جهت حل مشکلات مالیاتی کنونی باشد.

پاسخ:

مشکلات اجرایی و عواقب نامطلوب محاسبه وجوه شرعی به عنوان مالیات یا هزینه قابل قبول مالیاتی:

وابستگی روحانیت به دولت‌ها:

امتیاز روحانیت شیعه، استقلال از حکومت هاست که بنا بر نظر حضرت امام خمینی روحانیت وابسته به هیچ حکومتی حتی نظام جمهوری اسلامی نشود.<sup>۵۶</sup> وابستگی مالی به واسطه یک ماده قانونی با تصویب حاکمیت، می تواند اهرم فشار بر روحانیت باشد، این علاوه بر عدم ملاحظه وضعیت ایده آل است.

سیستم حوزه شیعه را می بایست در دراز مدت در نظر گرفت که از بدو تأسیس وابسته به هیچ حکومتی نبوده و نیستند، و این وابستگی را نیز نباید فقط در وضعیت ایده آل ملاحظه نمود بلکه در آینده ممکن است مشکلات غیرقابل جبرانی را ایجاد نماید.

خداشده دار شدن استقلال مالی روحانیت که ضامن استقلال فکری و عملی آن است.

وجود انگیزه‌های شدید منفعت طلبانه در دستگاه‌های مالیاتی:

وجود مفاسد مالی در کارگزاران و مؤدیان مالیاتی، زمینه‌ساز سرایت به برخی از روحانیت است. وضعیت حوزه مانند ادارات کنترل شدیدی ندارد و صرفاً یک نظارت کلی است و امکان سوءاستفاده وجود دارد، که در صورت افزایش درآمدها و امکان محاسبه مالیاتی تصرف نادرست در آن غیرممکن نیست.

<sup>۵۶</sup> مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ج ۲۴: ۶۱ و ۳۱۰. خمینی، روح‌الله؛ صحیفه امام، ج ۱: ۳۹۰.

## دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

# بهاش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

دخالت حاکمیت در نظام مرجعیت

تبعیض میان مراجع و ترجیح برخی یا مرجع سازی حکومت ها، موجب اختلال نظام مرجعیت می شود. اجرایی کردن پیشنهاد جایگزینی با توجه به وضعیت فعلی حوزه و مرجعیت و نیز نوع نگاه به مقوله خمس و مصرف آن از باب قدر متیقن مصارف مورد رضایت امام زمان (عج) کاری دشوار است.

نباید وضعیت ایده آل نظام جمهوری اسلامی را فقط مدنظر قرارداد. در درازمدت تحولات در نظام جمهوری اسلامی قابل پیش بینی نیست. چه بسا حاکمان آینده از این وابستگی مالی مرجعیت و روحانیت که روزه روز با وجود این قانون و نحوه اجرای آن بیشتر خواهد شد، در جهت سلطه بیشتر سوء استفاده کنند.

افزایش دارایی دفاتر مراجع موجب بی برنامهگی و یا ممکن است در صورت قرار گرفتن حجم زیادی از منابع مالی در اختیار دفاتر موجب اتلاف سرمایه های عمومی شود.

با اجرای محاسبه وجوهات شرعی به عنوان مالیات، دارایی دفاتر مراجع افزوده و دخالت دولت موجب اختلال نظام مرجعیت و عدم دخالت آن نیز موجب اتلاف و بی برنامهگی سرمایه های عمومی است.

عدم محاسبه دقیق درآمدهای مالیاتی و مشکل تنظیم بودجه

دولت برای تنظیم بودجه خود می بایست درآمدها و هزینه ها را به دقت محاسبه کند. درآمدهای مالیاتی مهم ترین بخش درآمدهای دولت بوده و پیوسته سعی می شود در نظام اقتصادی کشور نقش بیشتری در بودجه داشته باشند. با اجرایی شدن این قانون، محاسبه دقیق درآمدهای مالیاتی دولت ممکن نیست. چه بسا مؤدیان ترجیح دهند مالیات خود را به دفاتر مراجع پردازند در این صورت درآمدهای مالیاتی کاسته خواهد شد.

عدم تأدیه وجوهات شرعی توسط غیر متدینین و غیر متعهدین

از این رو می بایست این پیشنهادها (به خصوص پیشنهاد محاسبه وجوهات شرعی به عنوان مالیات) را تنها هنگامی اجرایی کرد که هماهنگی کامل با نظام مرجعیت و روحانیت وجود داشته باشد و تدابیر لازم برای جلوگیری از تحقق پیامدهای مزبور و اجرای متناسب و دقیق آن اندیشیده شود.

بررسی:

مسائل اجرایی مطروحه:

وابستگی دولت ها به روحانیت:

این راهکار نه تنها روحانیت را وابسته به دولت ها نمی نماید بلکه بالعکس دولت ها جهت تأمین منابع اقتصادی وابسته به روحانیت می گردند، و اشکالات احتمالی نیز با آیین نامه اجرایی قابل حل می باشد.

اجرای صحیح نظام مالیاتی اسلام نه تنها استقلال مالی، فکری و عملی روحانیت را خدشه دار نمی کند، بلکه در جهت اجرای صحیح عرصه فرهنگی تبلیغی اسلام می تواند عمل نماید، چراکه بخشی از وجوهات شرعی محل مصرفش در جهت گسترش فرهنگ اسلامی است.

وجود انگیزه های شدید منفعت طلبانه در دستگاه های مالیاتی:



## بهایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

وجود مفاسد مالی در هر سیستم مالیاتی و اقتصادی محتمل است و این گونه مشکلات در سیستم مالیات اسلامی بسیار محدودتر به نظر می‌رسد و این مشکلات را همچون سایر سیستم‌ها با آیین‌نامه می‌توان حل و فصل نمود.

امکان فساد و انگیزه‌های منفعت‌طلبانه در هر دو سیستم ممکن است هرچند در نظام وجوهات بسیار کمتر است، ثانیاً این مبالغ در حال تأدیه و مصرف است و عدم لحاظ آن در سیستم اقتصادی بی‌بهرگی از این ظرفیت در حال اجراست، ثالثاً با رهنمودهای نظام اقتصادی اسلام امکان وضع آیین‌نامه جهت جلوگیری از این آفات ممکن است. وضعیت نظارت کلی در حوزه نیز خیلی متفاوت از سایر سیستم‌های اجرایی نمی‌باشد و احتمال سوءاستفاده با افزایش درآمدها سوءظن به حوزه‌ها بوده و مطلب درستی به نظر نمی‌رسد.

دخالت حاکمیت در نظام مرجعیت

اشکال دخالت حاکمیت در نظام مرجعیت با مسئولیت یک نهاد حوزوی مورد تأیید حاکمیت همچون جامعه مدرسین و شورای عالی حوزه و ... که به این گونه مسائل بپردازد قابل حل می‌باشد.

افزایش دارایی دفاتر مراجع موجب بی‌برنامگی یا اتلاف سرمایه‌های عمومی

این مسئله ابتدا با برخی توصیه‌های دولت نسبت به نیاز هزینه کرد در بخش‌ها به دفاتر قابل حل است، لکن در دراز مدت و در صورت جایگزینی کامل نظام مالیاتی اسلامی می‌بایست برنامه‌ریزی و عملکرد در این زمینه به دست حاکمیت باشد.

گاهی نیز گفته شده پرداخت مالیات باعث افزایش هزینه‌ها و مؤنه فرد شده و در نتیجه وجوهات کمتری پرداخت می‌شود. در نتیجه نگرانی چندانی نسبت به عدم لحاظ وجوهات در مالیات‌ها نباید داشت، صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا در هر حال، کل پرداختی متشرعین نسبت به غیر متشرعین بیشتر خواهد بود. این موضوع در مواردی که مازاد بر مؤنه و یا متعلق خمس بالاست و وضوح بیشتر پیدا می‌کند. بنابراین خواه مالیات‌ها هزینه‌های فرد را افزایش دهد و وجوه شرعی را کاهش دهد و خواه وجوهات هزینه‌های قابل قبول تلقی شوند و میزان مالیات را کم نماید، باز هم در ماهیت موضوع تغییری ایجاد نمی‌شود.

محاسبه مشابه درآمدهای مالیاتی و تنظیم بودجه

در وجوهات شرعی همچون مالیات می‌توان تخمین زد که میزان پرداختی چه مقدار برآورد می‌شود، و تنظیم بودجه همچون وضعیت مشابه کنونی صورت پذیرد، اشکال عمده‌ای به نظر نمی‌رسد.

لازم الاجرا شدن تأدیه غیر متدینین و غیر متعهدین

عدم تأدیه غیر متدینین و غیر متعهدین نیز زمانی که قانون لازم‌الاجرا وضع گردد، همچون سایر قوانین ضمانت اجرا نیز تدارک دیده می‌شود، قبولی و عدم قبول الزام به پرداخت در وجوهات شرعی مشکل پرداخت کننده است که اگر قصد قربت و نیت نداشته باشد از جانب او مقبول نیست و حکومت مشکلی ندارد، همچنین در بعد وجوب نیز در احکام اسلامی فقط متدینین ملاک نبوده و تمام انسان‌ها مکلف به احکام اسلامی هستند.

## پایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

در صورت جایگزینی وجوهات شرعی با مالیات، این عمل موجب تشویق همه مردم به عمل به واجبات و اعمال عبادی می شود. همچنین با گسترش پرداخت وجوهات شرعی، منابع مالی فراوانی در اختیار دولت قرار می گیرد که می تواند با آن بسیاری از هزینه های اجتماعی بر عهده خود را انجام دهد.

در بلندمدت نیز توزیع ثروت جامعه به نفع غیر متشرعین رقم می خورد. چون بار مضاعفی بر عهده متشرعین می گذارد. افراد متشرع به عنوان تکلیف شرعی تمام وجوهات شرعی را پرداخت می کنند. مالیات را نیز به عنوان یک امر واجب ادا می نمایند. افزون بر آن ها غالباً در رفع نیازهای فقراء کمک می کنند. انسان های غیر متشرع، انواع راه های فرار مالیاتی را در پیش می گیرند و از پرداخت وجوهات شرعی خودداری می کنند و در کمک به رفع فقر نیز کوتاهی جدی دارند. بنابراین، به مرور بر ثروت افراد غیر متشرع افزوده و از ثروت متشرعین کاسته می شود. این امر می تواند منشأ بحران های اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی باشد. می توان با اجرای صحیح این پیشنهاد به مؤمنانی که علاوه بر پرداخت مالیات به وظیفه شرعی پرداخت وجوهات شرعیه عمل می نمایند کمک کرد. همچنین موجب تقویت بنیه مالی حوزه های علمیه در جهت تبلیغ اسلام در جهان می گردد. به همین جهت نباید وابستگی مالی حوزه ها به دولت اسلامی را امری مذموم شمرد. البته بدیهی است که عدم اجرای دقیق این پیشنهادات می تواند برخی از پیامدهای مذکور را در پی داشته باشد.

همچنین در رابطه با مسلمانانی که خارج از سرزمین های اسلامی زندگی می نمایند می بایست گفت، وجوهات شرعی از آنجا که حقی برای حکومت از کسانی که در جامعه اسلامی زندگی می کنند می باشد و نه وظیفه مسلمان بودن ایشان می بایست تمامی افراد جامعه اسلامی آن را پرداخت کنند؛ البته در اینجا اشکالی مطرح است که مسلمانان خارج از کشور که در جامعه اسلامی زندگی نمی نمایند چرا می بایست ملزم به پرداخت این گونه وجوهات شوند، برای دفع این مسئله می توان به دو راه حل اشاره کرد، راه حل نخست این که معمولاً مسلمانان در خارج از جامعه اسلامی نیز به صورت مجموعه های اسلامی زندگی می کنند و می توان وجوهات را در آن مجموعه ها مصرف نمود و وظیفه تأمین این مخارج را دارند؛ راه دوم؛ از آنجا که ایشان بالقوه می توانند در جامعه اسلامی زندگی کنند ولی از این حق صرف نظر کرده اند و این انصراف از حق موجب انصراف وظیفه ایشان نشده، و می بایست همچنان بنا به وظیفه وجوهات شرعی را پرداخت کنند.

عدم تقدم مالیات بر وجوهات شرعی

استدلال تقدم مالیات بر وجوهات شرعی با توجه به نظر فقها که مالیات بخشی از مئونه محسوب می شود، در حالی که خمس بعد از اخراج مئونه می باشد، صحیح به نظر نمی رسد.

پاسخ:

کارشناسان امور مالیاتی دلیل خود در تقدم مالیات بر وجوهات شرعی را قاعده فقهی «الخمس بعد المئونه» می دانند. این قاعده فقهی مبنای فتاوی فقهای معاصر است.

بررسی:

مالیات بر وجوهات شرعیه تقدم رتبی نیز نمی تواند داشته باشد. یعنی اگر مالیات به عنوان هزینه های اجتماعی آنان، بدهی به آحاد جامعه تلقی گردد، وجوهات شرعی به عنوان وجوهاتی که قرار است در جهت احراز رضایت امام و برای تقویت

## پایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

دینی مسلمین جامعه اسلامی استفاده شود، صله امام علیه السلام، بدهی به امام و بدهی به آحاد جامعه مسلمین محسوب می‌شود. حال سؤال اینجاست که کدامیک مقدم است؟!

مؤخر بودن وجوهات شرعی نسبت به مالیات‌های موضوعه دولت، از آنجا که صلاحیت دولت در اخذ مالیات ناشی از اختیاراتی است که شارع به دولت اسلامی اعطا کرده است و قرار دادن مالیات‌هایی که خود شارع وضع کرده در رتبه‌ای مؤخر از مالیات‌های موضوعه مطابق با اقتضائات شرع به نظر نمی‌رسد.

جلوگیری از فرار روز افزون مالیاتی

پاسخ:

افراد متشرع به دلیل وظیفه شرعی بودن پرداخت وجوهات شرعی از پرداخت مالیات‌های حکومتی گریزان اند.

بررسی:

اگر دلیل اضافه کردن این ماده به قانون مالیات‌های مستقیم جلوگیری از فرار مالیاتی افرادی است که اولویت را به جهت فقدان نصوص به پرداخت وجوهات شرعی داده و از پرداخت مالیات‌ها فرار می‌نمایند. طبق نظر اکثر فقها پرداخت مالیاتی که نظام مالیاتی جمهوری اسلامی ایران وضع می‌کند شرعاً واجب است.

### جمع‌بندی بررسی نقاط قوت و ضعف (استدلال بر مخالفت با ماده ۴)

از آنجا که مالیات اولیه در نظام اسلامی وجوهات شرعی می‌باشد، ضروری به نظر می‌رسد، قبل از ورود به مالیات‌های ثانویه بهره‌وری از احکام اولیه مورد توجه باشد، نه اینکه بدون توجه به این بستر مناسب با توجیه عدم مخالفت قطعی شریعت از آن روی گردان باشیم. در ثانی مالیات‌های حکومتی در نظام اسلامی جنبه تکمیلی داشته و منافاتی با وجوهات شرعی ندارد، بنابراین شایسته است با برپایی نظام مالیات اسلامی در صورت عدم کفاف وجوهات شرعی، مالیات تکمیلی ورود پیدا نماید.

میزان تعیین شده وجوهات شرعی بنا به نصوص به حد تواتر در فرهنگ اسلامی متناسب با نسبت فقرا و نیاز دولت اسلامی است،<sup>۵۷</sup> که در صورت وصول تأمین‌کننده نیازها می‌باشد، نظر به این که زکات نوعاً محدود به ۹ مورد از اموال می‌شود، بنابراین با ورود خمس که دایره آن اموال وسیعی را شامل می‌شود، در واقع می‌تواند در یک سیستم مالی اسلامی به عنوان مکملی برای زکات محسوب گردد.<sup>۵۸</sup> بر این اساس ضروری به نظر می‌رسد با فراهم آوری زمینه جهت جایگزینی این وعده الهی را اجرایی نماییم.

اخذ مالیات ناسازگار با برخی قواعد فقهی از جمله «الناس مسلطون علی اموالهم» است، هرچند برخی با معاهده دانستن مالیات‌ها آنرا تحت قاعده نمی‌دانند، که در پاسخ به عدم وجود چنین معاهده‌ای در این رابطه اکتفا می‌نماییم. بنابراین، اخذ آن در صورت ضرورت و مصلحت و به مقدار رفع آن صحیح است، بنابراین وضع مالیات حکومتی با احتیاط باید باشد، همچنین گستردگی بدنه دولت و همچنین برخی اشتباهات و مشکلات اقتصادی نباید بر مردم تحمیل شود، وابستگی بودجه

<sup>۵۷</sup> حرّ عاملی، کافی، ج ۹: ۹ باب وجوب الزکاة.

<sup>۵۸</sup> دبرخشان، همان: ۱۹.

## همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

کشور به درآمدهای مالیاتی مانع اصلی در جایگزینی مالیات‌های اسلامی با مالیات قانونی است، که می‌بایست نکات ذیل در نظر گرفته شود.

**تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام مستلزم به کارگیری سیاست‌ها و ابزارهای خود نظام می‌باشد.** از این رو برای اصلاح ساختار مالیاتی کشور پیشنهاد می‌شود، خمس ارباح مکاسب به عنوان عمده‌ترین مالیات بر درآمد در اسلام جایگزین کامل مالیات بر درآمدهای متناظر در نظام مالیاتی کشور گردد، تا ضمن حذف دوگانگی در نظام پرداخت‌های الزامی (وجوه شرعی و مالیاتی) و ایجاد زمینه اجرای احکام الهی با توجه به ویژگی‌های خمس کارکرد نظام مالیاتی کشور به ویژه در راستای ایجاد عدالت تقویت گردد.<sup>۵۹</sup> «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته برای تشکیل حکومت است. این بعهده متصدیان حکومت اسلامی است که چنین مالیات‌هایی را به تناسب و طبق مصلحت جمع آوری و به مصرف مصالح مسلمین برسانند. احکام مالی اسلام بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد و اجرای آن جز از طریق استقرار تشکیلات اسلامی میسر نیست.»<sup>۶۰</sup>

قانون مالیات بر درآمد، در سال‌های بعد از انقلاب ابتدا قوس صعودی در آخرین پله درآمد ۷۵٪ مالیات (۱۳۶۶) و سپس قوس نزولی ۵۵٪ (۱۳۷۱) و در آخرین اصلاحات قانون مالیات‌ها ۳۵٪ (۱۳۸۰) و اشخاص حقوقی ۲۵٪ که به درصد خمس ۲۰٪ نزدیک شده است و خمس هم درصدی از درآمد است بنابراین جایگزینی درصد معینی با درصد معین دیگر نباید ایجاد اشکالاتی در وصول درآمد بنماید.<sup>۶۱</sup>

چرا نمی‌توان پرداخت وجوهات شرعیه را مانند کمک به امور خیریه به عنوان هزینه قابل قبول تلقی کرد؟ چرا که هم وجوهات شرعیه و هم کمک‌های خیریه به نوعی در راستای تمرکززدایی در مخارج دولت است و اگر این مخارج انجام نشود، دولت مستقیماً باید بابت این امور هزینه کند. وجوهات شرعیه هزینه‌های اجتماعی افراد می‌باشد که شارع ترسیم داشته است. لذا بی‌اعتنایی و عدم ذکر آن در قوانین مالیاتی جمهوری اسلامی شایسته نیست، توجه به این نکته اهمیت دارد که مصارف و هزینه‌های وجوهات شرعیه در راستای وظایفی است که دولت اسلامی باید به عهده گیرد، بخشی از وظایف دولت نظیر ترویج فرهنگ اسلامی را پوشش می‌دهد. بنابراین کاملاً معقول است که وجوهات و مالیات‌های حکومتی در راستای وظایف دولت تلقی گردند و بار مضاعف از عهده متشرعین برداشته شود و بلکه آحاد جامعه اسلامی به پرداخت وجوه شرعیه و انجام تکالیف خویش تشویق گردند و زمینه نهادینه شدن آن در جامعه فراهم شود.

\* در نهایت باید گفت ماده ۴ لایحه در جهت تحقق هیچ‌یک از محورهایی که به عنوان رویکرد اصلی این لایحه مطرح شده‌اند گام برنمی‌دارد که عبارت‌اند از: افزایش مشارکت عمومی، تسهیل نظام مالیاتی، شفافیت، زیرساخت‌های توسعه سیستم اطلاعاتی، تقویت عدالت محوری، وضع مالیات‌های سبز و تقویت ضمانت اجرایی مالیات ستانی.

<sup>۵۹</sup> گیلک حکیم‌آبادی، رساله دکتری، امکان جایگزینی مالیات بر درآمد یا خمس.

<sup>۶۰</sup> خمینی، روح‌الله؛ ولایت فقیه: ۳۳.

<sup>۶۱</sup> کیاالحسینی، همایش مبانی فقهی و اقتصادی مالیات‌های اسلامی، مجموعه مقالات تیرماه ۱۳۸۷.

# همایش ملی اقتصاد معاومتی "حاشما، واقعسما، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

## راهکارهای کاربردی جهت جایگزینی

به منظور وضع قوانین متناسب که نه تنها متشرعین جریمه نشوند بلکه آحاد مردم به پرداخت وجوه شرعیه و انجام تکالیف تشویق شوند باید وجوهات شرعیه در قوانین مالیاتی جمهوری اسلامی لحاظ گردد. چنین امری می‌تواند به سه صورت باشد: ۱) لحاظ وجوهات شرعی به مثابه مالیات (وضعیت ایده‌آل). ۲) میزان وجوهات شرعی جایگزینی برای مقدار مالیات فعلی گردد (وضعیت مناسب). ۳) لحاظ وجوهات به مثابه هزینه‌های قابل قبول مالیاتی (وضعیت قابل قبول).

### صورت اول: وجوهات شرعی، مالیات تلقی گردد:

ماده ۴- مالیات اشخاص وجوهات شرعی پرداختی آنان بوده، و به تناسب بخش‌های مربوطه نظیر درآمد، سرمایه و ... تلقی گشته و در صورت ارائه مدارک قابل قبول به اداره دارایی، مالیات خود را تأدیه نموده است.

راهکار اجرایی این ماده و تفصیل شرایط و خصوصیات مدارک قابل قبول، پس از هماهنگی‌های لازم با شورای عالی حوزه‌های علمیه، از سوی وزیر اقتصاد و دارایی اعلام می‌گردد.

تبصره ۱- در صورتی که میزان وجوه شرعی پرداختی از میزان مالیات شخص بیشتر باشد، سازمان مالیاتی تعهدی نسبت به پرداخت مابه‌التفاوت نخواهد داشت.

### صورت دوم: میزان وجوهات شرعی جایگزینی برای مقدار مالیات فعلی گردد:

ماده ۴- وجوهات شرعی اشخاص به منزله مالیات آنان بوده، به تناسب بخش‌های مربوطه نظیر درآمد، سرمایه و ... تلقی گشته و در صورت ارائه مدارک قابل قبول، و به میزان پرداختی از مالیات معاف می‌گردد.

تبصره ۱- در صورتی که میزان وجوه شرعی پرداختی از میزان مالیات شخص بیشتر باشد، سازمان مالیاتی تعهدی نسبت به پرداخت مابه‌التفاوت نخواهد داشت.

### صورت سوم: وجوه شرعی هزینه قابل قبول تلقی شود:

ماده ۴- پرداخت وجوه شرعی از سوی اشخاص هزینه اجتماعی و شهروندی آنان بوده و در محاسبه مالیات آنان به منزله هزینه‌های قابل قبول آنان تلقی می‌گردد.

راهکار اجرایی این ماده و تفصیل شرایط و خصوصیات مدارک قابل قبول، پس از هماهنگی‌های لازم با شورای عالی حوزه‌های علمیه، از سوی وزیر اقتصاد و دارایی اعلام می‌گردد.

بنابراین می‌توان مراحل اجرای این پیشنهادات سه‌گانه را به ترتیب مطابق جدول ذیل جمع‌بندی نمود:

نحوه مصرف	نحوه محاسبه	تأدیه به	ناظر	جمع‌آور ی اطلاعات	م ر ک ب ی
به پیشنهاد دولت توسط دفاتر	هزینه‌های قابل قبول مالیاتی	دفاتر مراجع	امور مالیاتی	خود اظهاری	
با نظارت دفاتر توسط دولت	کسر از مالیات متعلقه	دفاتر مراجع	شورای عالی	خود اظهاری	

			حوزه		
بانظارت نمایندگی توسط دولت	جایگزینی با نظام مالیاتی	نمایندگی ولی فقیه	امور مالیاتی	خود اظهاری	
توسط دولت	در قالب نظام مالیات اسلامی	امور مالیاتی	نمایندگی ولی فقیه	خود اظهاری	

### بررسی اشکالات احتمالی

\* اشکال صورت اول در رابطه با افراد غیر متعهد و غیرمسلمان ممکن است باشد، در صورتی که حکم شرعی و عبادت همچون نماز باشد که در بین همه مردم عمومیت ندارد چگونه باید عمل شود؟  
پاسخ:

وقتی که مالیات‌های اسلامی به صورت قانون همچون مالیات فعلی در آمد، الزام و اجبار دولتی را به دنبال دارد. اخذ به اجبار بدون نیت قربت مشکل فرد است و نه دولت و از ناحیه دولت بلامانع است.<sup>۶۲</sup> در تکالیف اسلامی همه مکلف اند حتی در سایر احکام که فقط شامل مسلمانان نیست؛ اگر انجام واجب با قصد قربت واقع شد صحیح است و اگر نه عمل فرد در پیشگاه الهی دارای ایراد است. صحت و عدم صحت در مقام امتثال است اما وجوب در اصل تشریح بوده که مطلق است و تفاوتی بین متعهد و مسلمان و غیره نیست. قبول یا عدم قبول آن و ترتیب ثواب بر آن نیز بحثی کلامی و ربطی به بحث حقوقی ندارد.

البته باید وضعیت دولت و بدنه آن نیز باید به صورت الگو درآید تا با کامل‌ترین شرایط اجرایی گردد.  
\* مهم‌ترین اشکال صورت‌های دوم و سوم در چگونگی بهرمندی دولت از وجوهات پرداختی می‌باشد.  
پاسخ:

در صورت دوم و سوم چون وضعیت مطلوب و الگو نیست ابتدا دولت می‌تواند با یکسری توصیه‌ها محل‌های مصرف مورد نیاز را مشخص نموده تا دفاتر مراجع در آن زمینه‌ها اقدام نماید، که البته راهکاری موقت بوده و در نهایت مبالغ پرداختی می‌بایست در اختیار بیت‌المال قرار گیرد.

ثانیاً اگر نظام دولت اسلامی لحاظ شود نباید برخی ملاحظات و تعارفات مبنی بر استفاده وجوهات شرعی کما فی السابق را داشته و به مرور باید این نظام اصلاح و به دولت اسلامی پرداخت گردد.

\* اشکال پرداخت زکات، آیا شخص می‌تواند به مصرف رساند یا به مرجعیت و یا با درخواست ایشان؟  
پاسخ:

با مطالبه دولت این امر بنا بر نظر مشهور و دلالت آیه «خذ من اموالهم» مشکلی نیست.

## پایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

### بررسی:

در صورت جایگزینی وجوهات شرعی با مالیات، این عمل موجب تشویق همه مردم به عمل به واجبات و اعمال عبادی می‌شود. همچنین با گسترش پرداخت وجوهات شرعی، منابع مالی فراوانی در اختیار دولت اسلامی قرار می‌گیرد که می‌تواند با آن بسیاری از هزینه‌های اجتماعی بر عهده خود را انجام دهد.

رسیدن به نقطه مطلوب یعنی استفاده از وجوهات شرعی و جایگزینی آن با مالیات معمول همچون سایر طرح‌ها نیازمند اجرای آزمایشی، محدود و موقت؛ آسیب‌شناسی، رفع معضلات و جایگزینی تدریجی و حذف تدریجی مالیات‌های معمول است.

عدم کفاف وجوهات شرعی به نسبت هزینه‌های دولت وابسته به چند عامل اساسی است:

انبساط یا انقباض بدنه دولت و هزینه‌های متحمل آن لزوماً عدم کفایت وجوهات شرعی را نمی‌رساند نحوه و میزان هزینه کرد دولت و میزان تأمین آن از مالیات همه در پاسخگویی این هزینه‌ها دخیل بوده و نمی‌توان مصرف بی‌اندازه دولت را عدم تأمین هزینه‌ها تلقی کرد.

فقه جهت رفع مشکل کسری منابع مالیاتی در تأمین هزینه‌ها وضع مالیات ثانویه را در نظر گرفته‌اند که در صورت صحت عملکرد سایر بخش‌ها و عدم تأمین هزینه‌ها مالیات ثانویه وضع گردد.

بسیاری از مشکلات نظام مالیات حکومتی در نظام مالیات اسلامی مرتفع گردد که بررسی مختصر آن عبارت است از:

مشکل منابع اطلاعاتی در نظام مالیات اسلامی تا حدود زیادی با خود اظهاری قریب به واقعیت بر اساس ضمانت اجرای اعتقادی قابل حل است، ثانیاً اگر سیستم کاملاً مطابق با دیدگاه اسلامی باشد، مردم از ترس گرفتن مالیات ناعادلانه در امان بوده و با اعتماد اطلاعات خود را در اختیار قرار می‌دهند. عدم تمرکز سیاست‌گذاری و تجمع مالیات نیز در نهاد بیت‌المال تا حدود زیادی سامان می‌یابند. و فرهنگ ضد مالیاتی نیز با توجه به فرهنگ بالای اسلامی که سالانه شاهد پرداخت مبالغ هنگفت در این زمینه توسط مسلمانان و وجود انگیزه‌های غیرمالی در این عرصه حل شده به نظر می‌آید.

شفافیت و معین بودن نرخ‌ها و محل‌های مصرف وجوهات شرعی و اعتماد متقابل در این سیستم بسیاری از نواقص نظام مالیاتی کنونی را مرتفع می‌نماید. معافیت‌های مشخص و وجود انگیزه‌های غیرمالی در نهاد مالیات ستانی موفقیت نظام اسلامی را در این زمینه نیز نمایان می‌سازد.

بنابراین با پیشنهاد استقرار نظام مالیات اسلامی در چند سطح و همچنین به منظور وضع قوانین متناسب که نه تنها متشرعین جریمه نشوند بلکه آحاد مردم به پرداخت وجوه شرعی و انجام تکالیف تشویق شوند باید وجوهات شرعی در قوانین مالیاتی جمهوری اسلامی لحاظ گردد. چنین امری می‌تواند به سه صورت باشد: (۱) لحاظ وجوهات شرعی به مثابه مالیات (وضعیت ایده‌آل). (۲) میزان وجوهات شرعی جایگزینی برای مقدار مالیات فعلی گردد (وضعیت مناسب). (۳) لحاظ وجوهات به مثابه هزینه‌های قابل قبول (وضعیت قابل قبول).

نهایتاً سه فرض محاسبه وجوهات شرعی به عنوان مالیات، یا به منزله مالیات و یا هزینه‌های قابل قبول مالیاتی، به ترتیب می‌توانند ضامن عدالت بیشتری باشند، البته صورت اول صورت منطقی و مطابق با آموزه‌ها و فرامین شرعی به نظر می‌رسد.

## دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

# بهائش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

با این حال ماده پیشنهادی جایگزین ماده ۴ همانند سایر قوانین می‌بایست بررسی‌های دقیق اجرایی و فراهم آوری زمینه جهت اجرا و اجرای آزمایشی خود را طی کرده تا با کمترین اشکالات ممکن اجرایی گردد.

### نتیجه‌گیری:

با امکان‌سنجی جایگزینی و راهکارها و آسیب‌شناسی آن‌ها نهایتاً به این نتیجه می‌رسیم که وجوهات شرعی در معنای اخص چنانچه که در بدو حکومت اسلامی از منابع تأمین مالی محسوب می‌شده است، و همچنین عدم جواز تعطیل حکومت اسلامی، وضع مالیات‌های حکومتی با نظر ولی‌فقیه و تشخیص مصلحت در حکومت ولایت‌فقیه به صورت ثانویه و ضرورت مشروعیت می‌یابد، و امکان الزام مؤدیان به پرداخت وجوهات، همچنین دریافت وجوهات از غیرمسلمانان ساکن در بلاد اسلامی، می‌بایست با تمهید مقدماتی از جمله تعدیل روند پرداخت وجوهات به صورت نظام‌مند و شبیه به روش پرداخت مالیات‌های کنونی با رفع ایرادات هر یک از این دو گونه مالیات (اولیه و ثانویه) در جهت پیاده‌سازی تعالیم بلند اسلامی در حکومت اسلامی و پیوند میان فرهنگ و اقتصاد صورت پذیرفته تا به اقتصاد مقاومتی دست یابیم.

در پایان این نکته حائز اهمیت است، همانگونه که قبل از برپایی نظام اسلامی تردیدها نسبت موفقیت آن بسیار بالا بود، لکن پس از انقلاب و موفقیت برپایی نظام اسلامی و توفیقات متعددی که در زمینه‌های مختلف پیدا نمود دیگر جای تردیدها در برپایی آن از بین رفت، به همین نحو تردیدها در برپایی نظام اقتصادی و مالیاتی اسلامی نیز وجود دارد، که با توجه به مزیت‌هایی که مورد اذعان حتی افراد تشکیک‌کننده نیز هست، باید این شجاعت را در جهت برپایی آن در نظر گرفت.



منابع:

- حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ **وسائل الشیعه**، ج ۹، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.
- خامنه‌ای، سیدعلی؛ **أجوبة الاستفتاءات**، چ اول، دفتر مقام معظم رهبری، قم، ۱۴۲۴ ه.ق.
- خمینی، روح‌الله؛ **ولایت فقیه**، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، بی‌تا.
- ؛ **صحیفه امام**، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۷۸.
- درخشان؛ **ملاحظات در مفاهیم و نقش مالیات در اقتصاد اسلامی و متعارف**، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بی‌جا، بی‌تا.
- رضایی دوانی؛ **مالیات‌های حکومتی مشروعیت یا عدم مشروعیت**، نامه مفید، ش ۳۵، ۱۳۸۲، بی‌جا.
- کمیته فقه اقتصادی، معاونت پژوهش مجلس شورای اسلامی، **گزارش بررسی ماده ۴ لایحه اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم**، بی‌جا، دی‌ماه ۱۳۹۲.
- کیاء‌الحسینی، سید ضیاء‌الدین و باقری، علی؛ **تأمین اجتماعی در ایران با تکیه بر منابع مالی اسلامی**، دانشگاه مفید، قم، ۱۳۸۰.
- کیاء‌الحسینی، سید ضیاء‌الدین؛ **همایش مبانی فقهی و اقتصادی مالیات‌های اسلامی**، مجموعه مقالات، تیرماه ۱۳۸۷.
- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی؛ **امکان جایگزینی مالیات بر درآمد با خمس و تبیین آثار آن بر برخی متغیرهای اقتصاد کلان**، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، ۱۳۷۹.
- مجلس شورای اسلامی، **لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن**، آبان ۱۳۹۱، بی‌جا.
- مصطفی غفوری، **امکان‌سنجی محاسبه وجوهات شرعی به عنوان مالیات**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اصول‌الدین، قم، ۱۳۹۳.
- مطهری، مرتضی؛ **مجموعه آثار**، ج ۲۴، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۱.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ **استفتاءات جدید**، ج ۱، چ دوم، انتشارات مدرسه امام علی (ع)، قم، ۱۴۲۷ ه.ق.
- موحدی، مهدی، رضائی، محمدجواد، **ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی**، مجموعه مقالات پنجمین همایش مالیات‌های اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
- نجفی، محمدحسن؛ **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ج ۱۶، چ سوم، دارالکتب اسلامیة، تهران، ۱۳۶۷.